

Identifying and prioritizing factors affecting asymmetric wars based on Islamic-Iranian values using the DEMATEL approach

Eisa Habibi

Department of Public Administration, Deh.C.,
Islamic Azad University, Isfahan , Iran.

Seyed Rasool Aghadavood
Jolfaei *

Department of Public Administration, Deh.C.,
Islamic Azad University, Isfahan , Iran.

Mashaalah Valikhani
Dehaghani

Department of Public Administration, ST.C., Islamic
Azad University, Tehran , Iran.

Abstract

This research aims to identify and prioritize factors affecting asymmetric wars based on Islamic-Iranian values using the DEMATEL technique. This research was conducted using a mixed method. In the first stage of the qualitative part, 423 items were identified and extracted as concepts from the content analysis of the documents examined using the grounded theory method through open coding, and in the second stage, 90 codes were identified using 9 interviews with activists in the field of asymmetric wars, and by combining and integrating the extracted indicators, 12 dimensions were finally identified. In the quantitative stage, the obtained elements were evaluated and prioritized using a questionnaire and the DEMATEL technique. In this section, the statistical population of the study included volunteer and non-volunteer forces, university professors, and specialized military educational institutions, and 384 people were selected as a statistical sample using the Morgan table and convenience sampling. The results of the study showed that the political factor was given the highest priority, and the dimensions of the ability to create innovation in military operations, managerial characteristics, knowledge and awareness in the field of asymmetric warfare, economic factors, information capabilities, social and cultural factors, training, equipment, geographical location, individual-psychological characteristics, and military power were ranked second to twelfth, respectively.

Keywords: Management, Asymmetric Warfare, Iranian Islamic Values, Dematel Approach, Mixed Method

How to Cite: Habibi, E. , Aghadavood Jolfaei, S. R. and Valikhani Dehaghani, M. (2025). Identifying and prioritizing factors affecting asymmetric wars based on Islamic-Iranian values using the DEMATEL approach. Journal of Intelligent Strategic Management .4(4), 527-562.

doi: 10.87453/bumara.2026.373601.4861



Intelligent Strategic Management (JISM) in Development and Evolution is licensed under a Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International License.

© Authors

* Corresponding Author : 1288806736@iau.ir

شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر جنگ‌های نامتقارن بر اساس ارزش‌های اسلامی - ایرانی با استفاده از رویکرد دیمتل

عیسی حبیبی | گروه مدیریت دولتی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

سید رسول آقادات جلفایی* | گروه مدیریت دولتی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

ماشاله ولیخانی دهقانی | گروه مدیریت دولتی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

این پژوهش باهدف شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر جنگ‌های نامتقارن بر اساس ارزش‌های اسلامی - ایرانی با استفاده از تکنیک دیمتل انجام شده است. این پژوهش به روش آمیخته انجام شد. در مرحله اول بخش کیفی، از تحلیل محتوای متون اسناد بررسی شده با استفاده از روش گرنند تئوری طی کدگذاری باز تعداد ۴۲۳ مورد به‌عنوان مفاهیم شناسایی و استخراج گردید و در مرحله دوم با استفاده از ۹ مصاحبه با فعالان حوزه جنگ‌های نامتقارن ۹۰ کد شناسایی شد و با ترکیب و تلفیق شاخص‌های استخراج شده در نهایت ۱۲ بعد شناسایی گردید. در مرحله کمی، عناصر به‌دست آمده با استفاده از پرسشنامه و تکنیک دیمتل ارزیابی و اولویت‌بندی گردید. در این بخش، جامعه آماری پژوهش شامل نیروهای داوطلب مردمی و غیره داوطلب، اساتید دانشگاه و مؤسسات آموزشی تخصصی نظامی بود که با استفاده از جدول مورگان و نمونه‌گیری در دسترس، تعداد ۳۸۴ نفر به‌عنوان نمونه آماری انتخاب گردید. نتایج پژوهش نشان داد، عامل سیاسی، بالاترین اولویت را به خود اختصاص داد و ابعاد قابلیت خلق نوآوری در عملیات نظامی، ویژگی‌های مدیریتی، دانش و آگاهی در حوزه جنگ‌های نامتقارن، عوامل اقتصادی، توانمندی‌های اطلاعاتی، عوامل اجتماعی و فرهنگی، آموزش، تجهیزات، موقعیت جغرافیایی، ویژگی‌های فردی - روان‌شناختی و نیز قدرت نظامی، به ترتیب در اولویت دوم تا دوازدهم قرار گرفتند.

کلیدواژه‌ها: مدیریت، جنگ نامتقارن، ارزش‌های اسلامی ایرانی، رویکرد دیمتل، روش آمیخته

استناد به این مقاله: عیسی، حبیبی، و آقادات جلفایی، سید رسول و ولیخانی دهقانی، ماشاله. (۱۴۰۴). شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر جنگ‌های نامتقارن بر اساس ارزش‌های اسلامی - ایرانی با استفاده از رویکرد دیمتل. مدیریت استراتژیک هوشمند، ۴(۴)، ۵۶۲-۵۲۷.



مدیریت استراتژیک هوشمند (JISM) در توسعه و تکامل تحت مجوز بین‌المللی کربتیو کامنز با شرایط انتساب-غیرتجاری ۴٫۰ منتشر می‌شود.

© نویسندگان

مقدمه

توجه کارشناسان سیاست دفاعی جهان به نتایج حاصله از به کارگیری شیوه‌های نبرد نامتقارن در جنگ‌های گذشته و امروزی و پیامدهای شگرف و موفقیت‌های متعددی که بازیگران ضعیف‌تر (ازلحاظ نیروی نظامی، فناوری، تجهیزات و...) با استفاده از شیوه‌های نبرد نامتقارن در مقابل کشورهای قدرتمند در جنگ‌ها به دست آورده‌اند، این شیوه نبرد، به یکی از راه‌کارهای واقعی بازیگران ضعیف در جنگ‌ها، مقابل نیروهای قوی‌تر تبدیل شده است که از لحاظ تاکتیکی موجب کسب پیروزی در میدان نبرد و در ابعاد استراتژیک علاوه بر ایجاد بازدارندگی، منجر به تحمیل طولانی مدت بازیگران ضعیف بر دشمن قوی‌تر می‌شود. مفهوم جنگ نامتقارن؛ بر مبنای شیوه دفاع و مقاومت در برابر مهاجم قوی‌تر بدین شکل بسط و گسترش یافته است که نیروهای عمل‌کننده در مقایسه با ساختارهای رایج و صورت‌بندی‌های پیچیده در ارتش‌های کلاسیک و مدرن، بیشتر بر عامل انسانی و انگیزه‌های وی تکیه دارند. شیوه جنگ نامتقارن در حوزه دفاعی نیروهای مردمی به عنوان یکی از مناسب‌ترین شیوه‌های نبرد، برای حفظ و دفاع از انقلاب اسلامی ایران و همچنین شیوه‌ای مناسب و بازدارنده برای سایر کشورهای استقلال‌طلب و آزادی‌خواه در جهان است که می‌تواند ارتش‌های متجاوز استکباری و یارتش‌های متجاوز موردحمایت استکبار را در نبردهای احتمالی آینده زمین‌گیر و ناکام نموده و همچنین در جنگ با نیروهای تروریستی موردحمایت استکبار و حکومت‌های ارتجاعی منطقه مقابله به مثل مؤثر نماید. مدیریت مناسب این شیوه نبرد، علیرغم داشتن اشتراکاتی در همه جنگ‌های نامتقارن، بر اساس شرایط اختصاصی، متناسب با معیارهای بومی، ارزش‌های ملی و سایر مؤلفه‌های تأثیرگذار در تجهیز و به کارگیری منابع هر ملت، شکل گرفته و بنیان نهاده می‌شود.

جمهوری اسلامی ایران برای رسیدن به آرمان‌های خود و مقابله با دسیسه‌ها، جنگ‌های نرم و سخت، تحریم‌ها و محدودیت‌ها در عرصه‌های مختلف علیه نظام جمهوری اسلامی ایران، که توسط ائتلاف ناشناخته آمریکا و متحدان غربی آن به همراه برخی از مخالفان نظام در منطقه به منظور براندازی یا انحراف انقلاب اسلامی ایران از اهداف و آرمان‌های خود، شکل گرفت و همچنین در مقابله با جنگ تحمیلی و نابرابر، علیه نظام نوظهور ج،ا، ایران؛ در شرایطی که نیروهای مسلح ج،ا، ایران به دلایل متعدد آمادگی نبرد با ارتش مسلح را نداشتند و سپاه پاسداران هنوز به‌درستی و نظامی شکل نگرفته بود و با

حمایت گسترده نظامی و تشکیلاتی این ائتلاف علیه ایران در سی و یکم شهریور ۱۳۵۸ آغاز شد که ایران به ناچار شیوه جنگ و مبارزه نابرابر را در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی و نظامی را بکار گرفت و روش فرهنگ و سیاست نامتقارن را اجرا و تاکنون در عرصه نظامی از آن استفاده می‌کند. این روش جنگی یک روش بسیار پیچیده جنگی است که توسط جمهوری اسلامی ایران ابداع شده است و عمدتاً از فرهنگ و سیاست سرچشمه می‌گیرد. وقتی دو کشور به طور متقارن باهم وارد جنگ می‌شوند، پنج حلقه ساختار آن‌ها در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند تا اینکه یکی از این دو با کسب یک امتیاز بتواند حتی در قلب ساختار دشمن نفوذ کند پس یک کشور با دنبال نمودن جنگ نامتقارن تلاش خواهد کرد حلقه پنجم ساختارش را برای تحمیل سریع‌تر و آسان‌تر خود تقویت کند در واقع سلاح‌های قوی‌تر و پیچیده‌تر می‌تواند امکان دستیابی مستقیم به حلقه‌های مرکزی دشمن را میسر نماید، این وضعیت در مورد سلاح‌های هسته‌ای صدق می‌کند که امکان نابودی حلقه اول (مغز) را فراهم می‌کند بدون آنکه در ابتدا ملزم به پشت سر گذاشتن سایر حلقه‌های ساختار باشد (خسروی و تجبر، ۱۳۹۶: ۲۱).

مدیریت جنگ‌های نامتقارن در سایر کشورها و در دوره‌های مختلف با وجود برخی اشتراکات، دارای تفاوت‌هایی به خصوص در اهداف و نتایج بوده است. چنین مدیریتی در پیروزی انقلاب اسلامی در سال‌های آغازین این دوره تاریخی به رهبری امام خمینی (ره)، آن‌هم با دست‌ان خالی، در جنگ تحمیلی در برابر رژیم سیاسی عراق با وجود برخورداری از حمایت‌های همه‌جانبه قدرت‌های استکباری جهان، جنگ کشورهای استعمارگر علیه دیگر ملت‌ها و همچنین در جنگ‌های محور مقاومت، موفقیت و کارآمدی بهتری را به همراه داشته است. در کشور جمهوری اسلامی ایران که ارزش‌ها بر اساس مکتب فکری اسلامی - ایرانی شکل گرفته است، باید مقوله مدیریت جنگ‌های نامتقارن در حوزه دفاعی نیروهای مردمی نیز تحت زیرمجموعه این مکتب مدل‌سازی و اجرا گردد.

در این پژوهش شیوه‌هایی مناسب در فرایند به کارگیری مؤثر و کارآمد منابع انسانی و مادی در برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل به رای دستیابی به اهداف سازمانی، بر اساس نظام ارزشی جامعه و بر اساس فرضیات جنگ‌های نامتقارن ارائه می‌گردد. این پژوهش به دنبال شناسایی و اولویت‌بندی مدیریت جنگ نامتقارن در حوزه دفاعی نیروهای مردمی است که با فرهنگ و ارزش‌های دینی و ملی جمهوری اسلامی ایران سازگاری و ارتباطی تنگاتنگ دارد و بر اساس جهان‌بینی الهی امام خمینی (ره) و خلاقیت

فرماندهان و مدیران عرصه‌های مختلف دفاع مقدس و در صحنه‌های جنگ و نبرد شکل گرفته است تا بستر لازم در این زمینه را ایجاد نماید. در این پژوهش با توجه به ارزش‌های انقلابی و اسلامی موجود در کشور ایران که خود زیرمجموعه مکتب فکری اسلامی - ایرانی است عوامل مدیریت جنگ‌های نامتقارن شناسایی گردید.

مبانی نظری پژوهش

جنگ نامتقارن هم‌اکنون در دانشگاه‌های نظامی جهان به نام ایران تدریس می‌شود و توسط جمهوری اسلامی ایران در موضوع اقتصاد مقاومتی و در فضای اقتصاد نامتقارن به کار گرفته می‌شود (عباسی، ۱۳۹۲). در جنگ تحمیلی و نامتقارن ارتش بعث عراق علیه ج.ا. ایران که از حمایت سازمانی و امکانات مادی و مالی اکثر قدرت‌های بزرگ برخوردار بود و از انواع سلاح‌های متعارف و غیرمتعارف استفاده می‌کرد؛ دو رویکرد برجسته مدیریتی در کشور برای دفاع در برابر تهاجم ارتش بعث عراق شکل گرفت. از آنجایی که تقویت مؤلفه‌های تأثیرگذار بر راهبردهای نظامی و دفاعی هر ملت از عوامل حیاتی در فضای نامتقارن بین‌المللی است؛ با تقویت و توسعه مؤلفه‌های مؤثر بر قدرت دفاعی می‌توان حیات، بقاء و موفقیت خود را در آینده تأمین و تضمین نمود.

آمادگی نظامی به‌عنوان مهم‌ترین راهبرد نظامی و دفاعی در سایه وجود یک مدیریت نظامی توانمند، کارا و مقتضی حاصل می‌شود، از این رو، وجود تدابیر و مدیریت مناسب و مقتضی در نیروهای مسلح هر کشور اهمیت و ضرورت دوچندان دارد. و شواهد نیز حاکی از آن است که هنوز هیچ جایگزینی برای جبران خلأ ناشی از مناسب نبودن و ضعف مدیریت نیروهای نظامی در هر کشور یافت نشده است، لذا استفاده از الگوی مدیریت مقتضی، قوی و توانمند در حوزه دفاعی و امنیتی و تحلیل‌های راهبردی امنیت دفاعی و ملی کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران که همواره با تهدیدات روزافزون آمریکا، اسرائیل و نیروهای تروریستی مورد حمایت استکبار و رژیم‌های مخالف منطقه علیه جمهوری اسلامی ایران روبرو است، به‌عنوان یکی از پاد استراتژی‌های نامتقارن جمهوری اسلامی ایران در حوزه دفاعی جمهوری اسلامی ایران از اهمیت و ضرورت بسیار زیادی برخوردار است.

ضرورت تحقق هدف‌های مندرج در سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران، در بعد دفاعی - امنیتی: هدف اصلی و آرمانی، تبدیل ایران به قدرت برتر منطقه با ویژگی‌های امن، مستقل و مقتدر با سامانه دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه‌جانبه تعریف شده

است که بر اساس آن توجه ویژه به حضور و سهم نیروهای مردمی در استقرار امنیت و دفاع از کشور و انقلاب، با بالا بردن توان کمی و کیفی (نیروهای مردمی) بسیج را می‌توان از ابعاد و مؤلفه‌های عمق این راهبرد در بعد دفاعی بیان کرد. خدای متعال در سوره انفال آیه ۶۰ می‌فرماید: «هر نیرویی در قدرت دارید برای مقابله با دشمنان آماده‌سازید...»^۱. آمادگی شما، دشمن را بیمناک می‌کند؛ نه بیمناک از تجاوز شما - که شما اهل تجاوز نیستید - بیمناک از ایستادگی شما، بیمناک از فکر حمله به شما در نظام جهانی امروزه، تکیه به قدرت سرنیزه و اسلحه می‌تواند در ارتباط میان ملت‌ها و کشورها تعیین‌کننده باشد، در دنیایی که قلدرانی با داشتن مشت‌های پولادین بخواهند سرنوشت ملت‌ها را در دست بگیرند- در دنیای مادی- آن ملتی از آسیب محفوظ می‌ماند که ثابت کند آماده دفاع است (بخشی از بیانات امام خامنه‌ای در دانشگاه افسری امام علی (ع) ۱۳۹۰).

علل گرایش جمهوری اسلامی ایران به جنگ نامتقارن

تنهایی استراتژیک ایران: نگاهی کوتاه به مرزهای جغرافیایی ایران نخستین و مهم‌ترین خصیصه بارز آن را نمایان می‌سازد: فقدان مرزهای طبیعی دفاعی ایران نه همچون کشورهای از قبیل بریتانیا و یا آمریکا است که به واسطه دریاها محیط گشته باشد و نه همچون کشورهای کوچک محصور در میان رشته کوه‌های بلند و تسخیرناپذیر. از سوی دیگر به رغم آن که ایران در تاریخ از سوی یونانی‌ها، اعراب و اقوام مختلف ترک و مغول مورد تهاجم و اشغال قرار گرفته، هیچ‌گاه یونانی، عرب یا ترک نشده است، بلکه برعکس مهاجمان عرب و ترک و مغول تا حد زیادی تحت تأثیر فرهنگی ایران، ایرانی شده‌اند، ایران همچنان زبان و فرهنگ خود را مجزا و مستقل نگاه داشته و با در آغوش کشیدن مذهب تشیع، حتی جایگاهی منحصر به فرد برای خود در دل اسلام ایجاد کرده است. اما ایران برای همه این‌ها یک هزینه و بهایی نیز پرداخت کرده است؛ تنهایی و انزوا (شیرن هانتر^۲ ۲۰۱۷: ۱). ایران به عنوان کشوری شیعه‌مذهب و فارسی‌زبان در منطقه خاورمیانه و در میان همسایگانی عرب و پیرو مذهب اهل تسنن قرار گرفته است و همین امر موجب شکل‌گیری نوعی تنهایی راهبردی برای این کشور در ارتباط با محیط پیرامونی‌اش شده است (برزگر^۳ ۲۰۰۸: ۹۹). این تنهایی و انزوا باعث شده تا ایران در پیرامون و همسایگی خود، هیچ متحد و خویشاوند قومی طبیعی نداشته باشد. حتی کشورهایی که تا حدی

۱ و اعدوا لهم ما استطعتم من قرة و من رباط الخيل ترهبون به عدو الله

2 Shireen Hunter

3 Barzegar

از این جهت به ایران نزدیک هستند، نظیر افغانستان و تاجیکستان، به لحاظ مذهبی با ایران فاصله دارند و آنهایی که به لحاظ مذهبی با ایران قرابت دارند، مانند آذربایجان و عراق، به واسطه قومیت و زبان، متفاوت از ایران هستند. این تنهایی برای ایران به معنی آن است که هر کشوری می‌تواند بدون سرزنش از سوی کشورهای دیگر، با ایران بدرفتاری یا توهین کند. هیچ اتحادیه کشورهای فارسی در منطقه در کار نیست که به کمک ایران بیاید. چون ایران یک کشور شیعی است، سازمان همکاری‌های اسلامی نیز زمانی که این کشور مورد بدرفتاری یا توهین قرار می‌گیرد، کمکی به ایران نمی‌کند (شیرن هانتر ۱۳۹۱: ۱). این وضعیت تنهایی استراتژیک ایران، باعث شده تا ایران به خصوص در دوران حاکمیت جمهوری اسلامی به دنبال ایجاد امنیت درون‌زا و مستقل باشد. به نوعی که امروزه در مقایسه با کشورهای بزرگ منطقه‌ای مانند عربستان و ترکیه ایران تنها کشور و قدرتی است که ایجاد امنیت آن بومی و مستقل است.

فرهنگ و ایدئولوژی انقلاب اسلامی: در جنگ نامتقارن وجود نیروی انسانی جان‌برکف و آماده شهادت، نقش مهمی در موفقیت دارد، وقوع انقلاب اسلامی ایران منجر به تحولی محسوس در فرهنگ راهبردی دینی ایرانیان شد. تا پیش از انقلاب، اغلب ایرانیان تشیع را دربرگیرنده فرهنگی انفعالی و متکی بر تقیه تلقی می‌کردند، اما انقلاب اسلامی باعث شد فرهنگ شیعه به ویژگی‌های نوینی نظیر ظلم‌ستیزی، ایثارگری، وطن‌دوستی و مقاومت تجهیز گردد. اگر در گذشته عاشورا نماد مظلومیت شیعیان بود، از این زمان به بعد، به صورت نمادی از ظلم‌ستیزی و شهادت‌طلبی آن‌ها تجلی یافت. در این فرهنگ، باورهای دینی آن‌چنان مهم و اساسی‌اند که به خاطر آن‌ها باید از تعلقات دنیوی خویش گذشت. به این ترتیب، فرهنگ مقاومت و حماسه با تکیه بر آموزه‌های دینی به سرعت رشد کرد (قنبر لو، ۱۳۹۱: ۴۳). فرهنگ و ایدئولوژی باعث شد که سربازان ایرانی، چنین مقاومتی را نه تنها تکلیف ملی، بلکه مهم‌تر از آن تکلیف دینی بدانند. رسیدن به استقلال یا نفی وابستگی و سلطه صرفاً به خاطر حفاظت از حریم سرزمینی نبود، بلکه فراتر از آن حریم دینی و ارزشی ایرانیان را نیز در برمی‌گرفت. از دیگر مشخصه‌های مهم این فرهنگ، ایثارگری و شهادت‌طلبی بود که در پیروزی نیروهای ایرانی نقش اساسی داشت. ایرانی‌ها در طول جنگ تحمیلی، به خاطر تجهیز به فرهنگ راهبردی خاصی که متأثر از ارزش‌های انقلاب اسلامی بود، موفق به پیروزی در برابر عراق شدند (قنبر لو، ۱۳۹۱: ۴۳).

تجربه جنگ تحمیلی: واقعیت آن است که جنگ تحمیلی، (به لحاظ شاخص‌های مادی و نظامی، جنگی نامتقارن به شمار می‌آید، که در آن یک طرف، پیشرفته‌ترین تسلیحات، بالاترین توان رزمی و آمادگی‌های لازم را داشت، ولی طرف مقابل، به دلیل شرایط پس از انقلاب، توان رزمی و آمادگی کافی برای مواجهه با دشمن متجاوز را نداشت. ناکارآمدی استراتژی مستقیم (جنگ کلاسیک) در جنگ ایران و عراق: در گذشته، استراتژی دفاعی ایران اساساً بر حمایت‌های نظامی، لجستیکی و مشاوره‌های آمریکایی‌ها متکی بود، به همین دلیل، با پیروزی انقلاب اسلامی و خروج ایران از مدار سیاست‌ها و منافع غرب و نیز مبارزه با آمریکا و همچنین تصفیه عناصر خائن رأس ارتش، عملاً استراتژی پیشین کارآمدی خود را از دست داد و در این فاصله (از پیروزی انقلاب تا آغاز جنگ)، استراتژی جدیدی نیز شکل نگرفت (درویدیان، ۱۳۹۱: ۱۸).

اتخاذ استراتژی غیرمستقیم (جنگ مردمی): عملیات ثامن‌الائمه (ع) به منزله «نقطه عطف» و «حلقه واسط» برای انتقال استراتژی جنگ از وضعیت گذشته به وضعیت جدید بود. سردار محسن رضایی در این باره می‌گوید: عملیات ثامن‌الائمه (ع) نقطه عطف است و به عنوان مبدأ آغاز استراتژی مرحله دوم جنگ است و یکی از نقاط «اعتماد به نفس» در استراتژی مرحله دوم، عملیات ثامن‌الائمه (ع) بود که حلقه واسط و مبدأ تحول بود (درویدیان، ۱۳۹۱: ۲۳). با به‌کارگیری استراتژی جنگ مردمی جمهوری اسلامی ایران بارها، از شیوه‌های جنگ نامتقارن سود برد و کشور و رژیم عراق را که از حمایت‌های گسترده بین‌المللی برخوردار بود، متحمل شکست‌های متعددی کرد.

تحریم‌های تسلیحاتی: روش‌های مختلفی برای تأمین تجهیزات و سامانه‌های دفاعی کشورها وجود دارد که در یک نگاه بسیط می‌توان آن روش‌ها را به سه دسته کلی «خرید»، «طراحی و تولید داخلی» یا «طراحی و تولید مشترک در فرایند همکاری» دسته‌بندی نمود. عمده کشورهای در حال توسعه، شیوه اول را مبنای کار خود قرار داده و تجهیزات مورد نیاز خود را از کشورهای توسعه‌یافته خریداری می‌نمایند و در مواردی نیز از روش سوم یعنی طراحی و تولید مشترک با همکاری کشورهای پیشرفته اقدام می‌نمایند (طهماسبی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۶۶).

مطالعه ادبیات تحقیق داخلی و خارجی پیرامون مفاهیمی که به عنوان مفاهیم کلیدی و سؤال‌برانگیز در ذهن محقق شکل گرفته است نشان از آن داشت که ادبیات نظری فاقد تحقیق و تحقیقاتی هست که نگاهی دقیق به مسئله تحقیق حاضر داشته باشند به عبارت دیگر

تحقیقی که به دنبال شناسایی و اولویت‌بندی مدیریت جنگ‌های نامتقارن در حوزه دفاعی نیروهای مردمی باشد در جستجوی محقق پیرامون پیشینه تحقیق یافت نگردید. تحقیقات پیشین عموماً با نگاهی به مؤلفه‌ها و متغیرهای مشخص در حوزه جنگ‌های نامتقارن به صورت کلی پرداخته بودند. ذیل به مرتبط‌ترین تحقیقات داخلی و خارجی پیرامون پژوهش پرداخته می‌شود:

غلامی (۱۳۹۸) به بررسی تأثیر به کارگیری شیوه‌های جنگ ناهم‌تراز در مقابله با تهدیدات از منظر سردار سرلشکر پاسدار شهید حاج حسین همدانی پرداخت. در این تحقیق به دو حوزه عملیات جنگ درون‌شهری (چریکی) و جنگ اطلاعات اشاره و مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج به دست آمده با استفاده از روش‌های آمار توصیفی مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت. این تحقیق ضمن دستیابی به مؤلفه‌های جنگ ناهم‌تراز تلاش دارد، با تعیین میزان تأثیر شاخص‌هایی که سردار شهید حاج حسین همدانی در جنگ ناهم‌تراز جهت کارایی مؤلفه‌ها در مقابل تهدیدات نظامی به دست آورده است، را با استفاده از پرسشنامه و انجام مصاحبه مشخص کند (غلامی، ۱۳۹۸: ۲۰۱). مرتضویان فارسانی و آقابالازاده (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان "دکترین نظامی کارگزار محور شیوه‌ای نوین در جنگ نامتقارن" را انجام دادند. در این مقاله محقق تلاش نموده تا از منظر هستی‌شناختی به پدیده دکترین‌های کارگزار محور و نقش عوامل ایدئولوژی و انگاره‌های اجتماعی و فرهنگی در جنگ‌های نامتقارن بپردازد. نتایج نشان داد که دکترین‌های نظامی کلاسیک نگاه رئالیستی به صحنه نبردها داشته و عدم قطعیت صحنه نبرد را حاصل اطلاعات ناقص خود از تجهیزات، امکانات و توانمندی‌های دشمن (تهدید محور) می‌دانند در حالی که در فضای نامتقارن کارگزار محور عدم قطعیت حاصل خلاقیت ذهن ایده پرداز کارگزار در صحنه تولید هست و نگاه به صحنه نبرد ایدئالیستی است. پس از تدوین الگوی دکترین‌های نظامی کارگزار محور و طراحی راهبردهای اصلی و فرعی دکترین کارگزار محور شکل می‌گیرد که پیامدهای ذیل حاصل از کارکرد عوامل ایدئولوژی و انگاره‌های اجتماعی و فرهنگی در آن را به دنبال خواهد داشت: الف) وجود نیروی انسانی تعامل محور بر پایه انگاره‌های اجتماعی و فرهنگ. ب) اثربخشی سیستم به‌عنوان ابزار روابط تعاملی و محوریت کارگزار. پ) ایجاد ارده مشترک حاصل از حس مشترک و آگاهی وضعیتی کارگزار در صحنه. ت) وحدت جهد و فرماندهی بر اساس حس مشترک منبعث از ایدئولوژی و انگاره‌های اجتماعی و فرهنگی (مرتضویان فارسانی و آقابالازاده،

۱۳۹۷:۴۷). نصیر (۱۳۹۷) به بررسی جایگاه جنگ نامتقارن در راهبرد امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران پرداخت. پژوهش حاضر باهدف بررسی جایگاه جنگ نامتقارن در راهبرد امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران نوشته شده است. در همین راستا پرسش این پژوهش این است که علل گرایش جمهوری اسلامی ایران و ضرورت تداوم یافتن جنگ نامتقارن در راهبرد امنیت ملی ج.ا.ایران چیست؟ نتایج پژوهش نشان داد که ابزارهای جمهوری اسلامی ایران برای جنگ نامتقارن عبارت‌اند از: سپاه پاسداران قدس، نیروی دریایی سپاه پاسداران، نیروهای نیابتی، بسیج مردمی، توانایی موشکی و توانایی سایبری می‌شوند (نصیر، ۱۳۹۷:۱). سهروردی و قیم (۲۰۲۱) به بررسی «ابعاد پاراپلژیک جنگ نامتقارن: تحلیل استراتژیک طرح سیاست تاب‌آوری» پرداخت. نتایج این مطالعه کتابخانه‌ای نشان داد جنگ نامتقارن بازی اعصاب و افکار با کمترین مشارکت قوی برای خسارات بزرگ پیش‌بینی شده با ایجاد پاراپلژی جزئی یا دائمی است. تحلیل استراتژیک جنگ نامتقارن از زمان جنگ جهانی اول تا دوران پس از جنگ سرد نشان می‌دهد که شجاعت باعث می‌شود ملت‌ها نبرد جنگ‌جویان را به نبرد هم‌زمان پیروز کنند. باوجود آمادگی‌ها، جنگ نامتقارن به دلیل نامشخص بودن شرایط و کشنده بودن سلاح‌ها دشوار بوده است (سهروردی و قیم، ۲۰۲۱:۳۴). گالیلی و شوارتز (۲۰۲۱) به مطالعه‌ای با عنوان «از "شوک و هیبت" تا جنگ نامتقارن در جنگ نظامی مدرن» پرداختند. هدف این مطالعه ارائه راهبردهایی از «شوک و هیبت» تا جنگ نامتقارن در جنگ نظامی مدرن بود. نتایج نشان داد یک عنصر بسیار مهم برای مقابله با جنگ نامتقارن، قدرت روانی جمعیت غیرنظامی است. همان‌طور که گفته شد، یکی از راه‌های جنگ طرف ضعیف در برابر طرف قوی، نشانه‌گذاری حساسیت روانی جمعیت غیرنظامی طرف قوی به عنوان هدف است. حمله روانی به مردم غیرنظامی می‌تواند خود را در پرتاب موشک به سمت آن، کنترل اطلاعات، تعدد تلفات سربازانش و کاشتن حس ناامیدی در آن به دلیل درگیری طولانی مدت نشان دهد (گالیلی و شوارتز، ۲۰۲۱:۸۵). لیل (۲۰۱۴) پژوهشی با عنوان «جنگ نامتقارن کشمکش‌های دولتی و غیردولتی» را انجام داد. این پژوهش در مورد مفهوم جنگ نامتقارن، نهادها و بازیگران درگیر و ماهیت واکنش دولت‌ها به آن در قرن بیست و یکم بحث می‌کند. نتایج نشان داد که برای تصمیم‌گیری در مورد پاسخ دولت باید به بررسی ماهیت و تأثیر ابزارها و

1 Sohrewordi
2 Galily, Daniel & Schwartz
2 Lele

تاکتیک‌های مختلفی که توسط بازیگران غیردولتی در نبردهای نامتقارن مورد استفاده قرار می‌گیرد، پرداخته شود. این پاسخ‌ها تا حد زیادی به الگوی و دلایل تهدیدها و نبرد نامتقارن بستگی دارد. پاسخ‌ها می‌تواند به سیاست‌های دولت در مورد یافتن راه‌حل‌هایی برای مقابله با تهدیدهای خارجی بستگی داشته باشد. برای تحقق مفهوم جنگ نامتقارن با بررسی موارد حالت در مقابل درگیری‌های غیردولتی، نیاز به تحول یک چارچوب تحلیلی است. با این وجود، به دلیل ماهیت بازیگران درگیر و ماهیت غیرمتعارف ابزارها و تاکتیک‌های مورد استفاده آن‌ها برای انجام جنگ، نباید به عنوان یک چرخه کلاسیک عمل - عکس‌العمل دیده شود (لل، ۲۰۱۴: ۹۷).

روش پژوهش

این پژوهش جهت تحقق اهداف، در سه مرحله انجام گرفت:

ابتدا با مطالعه کتابخانه‌ای، ضمن بررسی مبانی نظری و تجربی مرتبط با مبحث تحقیق، پیشینه تحقیقات همسو مورد بررسی قرار گرفت (در این تحقیق از مستندات، متون و مدارک مرتبط با جنگ‌های نامتقارن استفاده شده است).

در مرحله دوم، مستندات، متون و مدارک مرتبط با جنگ‌های نامتقارن با بررسی اسنادی و نیز مصاحبه با خبرگان و سپس، تحلیل موارد مذکور با روش تحلیل محتوی، شناسایی شد.

در این پژوهش، برای شناسایی ابعاد تحقیق از بررسی اسنادی و نیز ابزار مصاحبه و برای تحلیل از روش کدگذاری و مقوله‌بندی داده‌ها مبتنی بر نظریه زمینه بنیاد استفاده شد. در این روش، داده‌های جدید هم‌زمان با تمام داده‌های دیگر مقایسه شدند تا محوریت مطلوب در بین تمام داده‌ها آشکار شود. کدگذاری متون اسنادی و مصاحبه‌ها به موازات بررسی متون و انجام مصاحبه‌ها صورت گرفت؛ به این معنی که پس از بررسی هر سند و یا انجام هر مصاحبه داده‌های آن مورد کدگذاری قرار می‌گرفت تا از طریق کدگذاری داده‌ها امر دسته‌بندی و تفسیر آن‌ها صورت پذیرد. با کدگذاری چند مصاحبه نخست پژوهشگر چارچوب ذهنی اولیه را ایجاد کرد و با انجام مصاحبه‌های بعدی، با استفاده از کدهای جدید به دست آمده، چارچوب ذهنی را توسعه داد. این فرایند تا زمانی ادامه یافت که اشباع نظری حاصل شد و مصاحبه‌ها به پایان رسید. طبقه‌بندی داده‌ها با اطلاق کدهای جداگانه و مرور مکرر و ادغام کدهای مشابه انجام گرفت تا کدهای اصلی تولید شوند. مراحل کدگذاری انجام گرفته در پژوهش حاضر عبارت‌اند از کدگذاری باز، کدگذاری محوری

و کدگذاری انتخابی. در ادامه مراحل مطالعه کیفی و تحلیل مصاحبه‌ها بیان می‌شود. مراحل کدگذاری در روش گراندد تئوری به شرح زیر است:

➤ گام ۱: کدگذاری باز

این مرحله از روش گراندد تئوری بلافاصله بعد از اولین مصاحبه انجام می‌شود. به عبارت دیگر محقق پس از هر مصاحبه شروع به پیدا کردن مفاهیم و انتخاب برچسب‌های مناسب برای آن‌ها و ترکیب مفاهیم مرتبط می‌کند. کدگذاری باز بخشی از تجزیه و تحلیل است که به صورت مشخص به نام‌گذاری و مقوله‌بندی پدیده‌ها از راه بررسی دقیق آن‌ها می‌پردازد. در ضمن کدگذاری باز داده‌ها به بخش‌های مجزا خرد می‌شوند، برای به دست آوردن شباهت‌ها و تفاوت‌ها مورد مقایسه قرار می‌گیرند و سؤالاتی درباره مقولات مطرح می‌شود. اولین گام در کدگذاری باز برچسب زدن (نام‌گذاری) برای پدیده‌هاست به این صورت که هر پاراگراف را برمی‌داریم به اجزایی تقسیم می‌کنیم و به هر کدام از حوادث، ایده‌ها یا رخدادها نامی می‌دهیم. برای محققان بسیار راحت است که صرفاً نکات اصلی یا جملات را تکرار کنند اما این کار مفهوم‌پردازی نیست بلکه خلاصه‌گویی است. در هنگام نام‌گذاری برای پدیده‌ها بهتر است واژگانی را انتخاب کرد که آن قدر انتزاعی باشند که حداقل ده واقعه متفاوت ولی دارای ماهیت یکسان را پوشش دهد. گام بعدی در کدگذاری باز کشف مقوله‌ها می‌باشد. وقتی در داده‌ها پدیده‌های خاصی را مشخص کردیم آنگاه می‌توانیم مفاهیم را بر محور آن‌ها گروه‌بندی کنیم. این کار تعداد واحدهایی را که باید با آن‌ها کار کنیم کاهش می‌دهد. روند طبقه‌بندی مفاهیم را که به نظر می‌رسد به پدیده‌های مشابه ربط پیدا می‌کند مقوله‌پردازی نامیده می‌شود. به مقوله‌ای که کدهای (برچسب‌های) مرتبط را در برمی‌گیرد یک نام مفهومی داده می‌شود. باید توجه داشت که این نام باید انتزاعی‌تر از اسامی مفهومی (کدها) باشد که مجموعه آن‌ها مقوله را تشکیل می‌دهد. مقولات دارای قدرت مفهومی‌اند زیرا قادرند دیگر مفاهیم را بر محور خود جمع کنند. در اینجا لازم است توضیح مختصری در مورد کد، مفهوم و طبقه ارائه دهیم:

- کدها، واحدهای پایه‌ای (یا خرد) تحلیل هستند؛ زیرا از (تصویر ذهنی و) مفهوم‌سازی داده‌ها نظریه شکل می‌گیرد، نه به تنهایی از خود داده‌های واقعی.

- مفاهیم، در نظریه سازی داده بنیاد زیر مقوله‌هایی از نوع کدهای باز هستند که وظیفه‌شان ارائه جزئیات بیشتری در مورد هر طبقه است.
- طبقه‌ها، در مقایسه با مفاهیم، انتزاعی تر بوده و سطحی بالاتر را نشان می‌دهند. آن‌ها از طریق همان فرایند تحلیلی انجام مقایسه برای برجسته‌سازی شباهت‌ها و تفاوت‌ها که در سطح پایین تر برای تولید مفاهیم استفاده شد، تولید می‌شوند. طبقه‌ها «شالوده» ساختن نظریه هستند و ابزاری فراهم می‌کنند که به وسیله آن نظریه می‌تواند یکپارچه شود.

➤ گام ۲: کدگذاری محوری

مرحله دوم کدگذاری که به آن کدگذاری محوری گفته می‌شود، پژوهشگر یکی از طبقه‌ها را به عنوان طبقه محوری انتخاب کرده، آن را تحت عنوان پدیده محوری در مرکز فرایند، مورد کاوش قرار داده و ارتباط سایر طبقه‌ها را با آن مشخص می‌کند.

➤ گام ۳: کدگذاری انتخابی (گزینشی)

روند انتخاب مقوله اصلی به طور منظم و سیستماتیک آن با سایر مقوله‌ها، اعتبار بخشیدن به روابط، و پر کردن جاهای خالی با مقولاتی که نیاز به اصلاح و گسترش دارند. این روند شامل چند گام می‌باشد:

اولین گام متضمن توضیح خط اصلی داستان است. گام دوم ربط دادن مقولات تکمیلی برگرد مقوله اصلی با استفاده از یک پارادایم (که در کدگذاری محوری تو صیف شده است). گام سوم مرتبط ساختن مقولات به یکدیگر در سطح بعدی است. گام چهارم به تأیید رساندن آن روابط در قبال داده‌هاست. آخرین قدم تکمیل مقولاتی است که اصلاح و یا نیاز به بسط و گسترش دارند. براین اساس و با توجه به اهداف تحقیق، پژوهشگر کدهای محوری را در قالب دسته‌های مشخص دسته‌بندی نمود. تئوری پرداز، یکی از طبقه‌های حاصل از کدگذاری باز را انتخاب کرده، آن را به عنوان پدیده محوری در الگوی کدگذاری محوری استفاده می‌کند.

در مرحله سوم، به منظور اولویت‌بندی ابعاد تأثیرگذار از ابزار پرسشنامه (محقق ساخته) و روش دیمتل، استفاده شد.

در این پژوهش به منظور اولویت‌بندی ابعاد تأثیرگذار بر مدیریت جنگ‌های نامتقارن در حوزه دفاعی نیروهای مردمی جمهوری اسلامی ایران، از روش دیمتل استفاده شد.

جدول ۱: ابزارهای گردآوری اطلاعات روش تجزیه تحلیل، جامعه و روش
انتخاب افراد به تفکیک هر مرحله

مرحله	روش و ابزار جمع آوری داده	روش تحلیل	جامعه و روش انتخاب افراد
شناسایی عوامل مدیریت جنگ‌های نامتقارن بر اساس ارزش‌های ایرانی اسلامی	مطالعه کتابخانه‌ای / روش اسنادی	کیفی / از طریق گردند تئوری	جامعه تحقیق: مستندات، متون و مدارک مرتبط با جنگ‌های نامتقارن روش انتخاب نمونه: روش نمونه‌گیری هدفمند قضاوتی
اولویت‌بندی ابعاد	روش میدانی / پرسشنامه	کیفی / از طریق گردند تئوری	جامعه تحقیق: صاحب‌نظران، متخصصین دانشگاهی و نیز افرادی که سابقه حضور در میدان‌های جبهه و جنگ. روش انتخاب مشارکت‌کنندگان: روش نمونه‌گیری هدفمند قضاوتی (۹ نفر)

یافته‌ها پژوهش

بخش اول: تحلیل اسنادی

در این مرحله، برای انتخاب نمونه از مقالاتی معتبر، کتاب‌ها و سایت‌های و مرتبط با اهداف تحقیق استفاده شده است و با استفاده از اسناد و متون انتخاب شده کدگذاری اولیه انجام شد که در ادامه تشریح شده است:

کدگذاری اولیه - تحلیل اسنادی

کدگذاری باز یا اولیه، جزئی از تحلیل است که با تحلیل دقیق داده‌ها، نام‌گذاری و طبقه‌بندی کردن داده‌ها انجام می‌شود. برای طبقه‌بندی دقیق مفاهیم در مقوله‌ها، ابتدا باید هر مفهوم، بعد از تفکیک، برچسب بخورد و داده‌های خام به وسیله بررسی دقیق متن اسناد و یادداشت‌های زمینه‌ای، مفهوم‌سازی شوند. گام بعدی در کدگذاری باز کشف مقوله‌ها است. وقتی در داده‌ها پدیده‌های خاصی مشخص شد آنگاه می‌توان مفاهیم را بر محور آن‌ها گروه‌بندی کرد. این کار تعداد واحدهایی را که باید با آن‌ها کار شود کاهش می‌دهد. روند طبقه‌بندی مفاهیم را که به نظر می‌رسد به پدیده‌های مشابه ربط پیدا می‌کند، مقوله پردازی یا مقوله‌بندی می‌نامند. به مقوله‌ای که کدهای (برچسب‌های) مرتبط را در برمی‌گیرد یک نام مفهومی داده می‌شود. باید توجه داشت که مقوله تعیین شده، می‌بایست انتزاعی‌تر از اسامی مفهومی (برچسب‌ها) باشد که مجموعه آن‌ها، مقوله را تشکیل می‌دهد. مفاهیم جدید که در اسناد جدید شناسایی شدند به مقوله‌های شناسایی شده اضافه شدند تا زمانی که مقوله‌ها به حد اشباع تئوریک رسیدند. در صورت ضرورت، بعضی از مقوله‌ها تغییر نام پیدا کردند و ارتباط بین مقوله‌ها و مفاهیم اولیه، شکل گرفتند. بر همین اساس، طی کدگذاری باز، ۴۲۳ مورد به‌عنوان شواهد گفتاری شناسایی شده از متن اسناد که به تعداد ۱۰ مورد در جدول (۲) اشاره شده است:

جدول ۲: شواهد گفتاری مستخرج از اسناد مورد بررسی و کدهای اولیه

منبع	مفاهیم / شواهد گفتاری	کدگذاری باز یا اولیه
خوبدل (۱۳۸۶)	در شرایط بحرانی و جنگ‌های نامتقارن استفاده از شیوه‌های کنترل محیطی و اختصاصی در شرایط عادی نمی‌تواند به اندازه کافی پاسخگو باشد و گاهی عملی نیز نمی‌باشد. برای این شرایط آموزش‌های مداوم و تخصصی سربازان، می‌توان از تکنیک خاصی بهره‌مند شد که امروزه در دنیا به سیستم‌های حفاظت فردی معروف است.	۸ کنترل محیط
کرفلد (۱۳۸۶)	دکترین نامتقارن باید قابلیت ایجاد چهار ویژگی ذاتی را به هنگام کاربرد اصول آن دارا باشند تا بتوانند به نیازهای عملیاتی نیروها در یک فضا و محیط نامتقارن پاسخ دهند: ۱. عدم قطعیت؛ ۲. ابتکار؛ ۳. غیرمترقبه بودن و ۴. انطباق.	ابتکار، غیرمترقبه بودن، انطباق
دانش آشتیانی (۱۳۸۸)	با توجه به اثربخشی، مقرون به صرفه بودن بهره‌گیری از دکترین نظامی کارگزار محور در جنگ‌های نامتقارن راهبردها و سیاست‌های توسعه سبک رهبری، نظام آموزشی، ابزارها، تجهیزات، شکل سازمانی و منابع سازمانی نیروهای مسلح کشور تدوین گردند.	۲ نظام آموزشی، منابع سازمانی، شکل سازمانی
پیری (۱۳۹۶)	به کارگیری رویکردهای غیرقابل پیش‌بینی یا غیرمعارف به منظور خنثی نمودن یا تضعیف قوای دشمن و درعین حال بهره‌برداری از نقاط آسیب‌پذیر از طریق فناوری‌های غیرقابل انتظار یا روش‌های مبتکرانه.	۳ فناوری
رئیس زاده و کرمعلی (۱۳۹۷)	درمان و مراقبت از مصدومین در جنگ‌ها و حوادث تروریستی امروزی نیازمند رویکردهای اختصاصی و مدرن در مدیریت مصدومین است.	۴ مدیریت درمان
پیری (۱۳۸۶)	جنگ نامتقارن جنگی است که طرفین درگیر نه تنها آرایش و تاکتیک مناسبی با یکدیگر ندارند، بلکه	۵ سازمان‌دهی

		درنبرد با یکدیگر از روش‌های خاص و منحصر به فردی استفاده می‌کنند.
سازمان دهی	۶	عدم برابری، عدم همترازی نظامی میان طرف‌های درگیر در یک صحنه جنگ.
خط‌مشی‌گذاری، نقاط قوت و ضعف، استراتژی‌های راهبردی	۷	درگیری خارج از اصل و قاعده پذیرفته شده در جنگ‌های نامتقارن و ضربه به دشمن از طریق شناسایی نقاط ضعف و آسیب‌پذیر آن.
خط‌مشی‌گذاری، روحیه	۸	جنگ نامتقارن یعنی برخورد منطقی با شرایط، زمانی که می‌دانیم به هیچ وجه نمی‌توان از طرق مرسوم و شیوه‌های جنگ متقارن (کلاسیک) دشمن را مغلوب کرد. انتخاب نبرد نامتقارن منطقی‌ترین شیوه است.
فناوری اطلاعات، شبکه‌سازی، خط‌مشی‌گذاری.	۹	با توجه به عوامل مداخله‌گر شامل فناوری اطلاعات و ارتباطات و آماد و پشتیبانی، شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها در راستای شکل‌گیری و یا خنثی‌سازی دکترین نظامی کارگزار محور در تدوین و ایجاد سیاست‌های دفاعی و امنیتی مورد توجه قرار گیرند.
امکانات و تجهیزات	۱۰	در جنگ نامتقارن هیچ چیز به طور کامل قابل پیش‌بینی نیست، زیرا جنگ نامتقارن، جنگی نامنظم با شیوه‌های نامشخص و روش‌های نامعین است که نمی‌توان آن را با تکیه و بر امکانات و تجهیزات معمول محاسبه نمود.

کدگذاری اولیه - تحلیل مصاحبه‌ها

طی کدگذاری باز، ۹۰ مورد به‌عنوان شواهد گفتاری شناسایی شده از مصاحبه‌های انجام شده که در جدول (۳) تعداد ۱۵ مورد از کدها آورده شده است.

جدول ۳: شواهد گفتاری و کدهای اولیه مستخرج از مصاحبه‌ها

مصاحبه	مفاهیم / شواهد گفتاری	کدگذاری باز یا اولیه
	<p>عواملی که باعث ایجاد جنگ‌های نامتقارن در حوزه دفاعی نیروهای مردمی می‌شوند: ۱- تحمیل نظرات یک دولت قوی به یک دولت و کشور ضعیف ۲- خواسته‌های نابجای کشور قوی از دولت ضعیف ۳- قدرت نظامی یک کشور قوی نسبت به قدرت نظامی یک دولت ضعیف ۴- وسعت سرزمینی و نیروی انسانی نسبت به سرزمین دیگر ۵- خشونت سیاسی یک دولت قوی نسبت به یک دولت ضعیف.</p>	<p>۱ - وسعت سرزمین و نیروی انسانی - خشونت سیاسی یک دولت</p>
	<p>دوران ۸ ساله دفاع مقدس را می‌توان در زمره جنگ‌های نامتقارن دسته‌بندی نمود: با توجه به تعریف جنگ نامتقارن این جنگ در زمره‌ی جنگ‌های نامتقارن قرار می‌گیرد زیرا کشور عراق هم از لحاظ تجهیزاتی و نبردی انسانی (عده وعده) نسبت به ما قوی‌تر بود، دومین دلیل کشور عراق از حمایت‌های نظامی و تجهیزاتی دو قدرت بزرگ دنیا یعنی بلوک غرب و شرق برخوردار بود.</p>	<p>۲ - نیروی انسانی آموزش دیده</p>
	<p>استراتژی‌های مؤثر در مدیریت جنگ‌های نامتقارن در حوزه نیروهای مردمی: فرسایشی کردن جنگ، استفاده از پدافند غیرقابل، مردمی کردن جنگ همراه با آموزش برای آن‌ها گرفتن تلفات نیروی انسانی از دشمن، استفاده از جغرافیای منطقه علیه دشمن.</p>	<p>۳ - استفاده از پدافند غیرعامل - مردمی کردن جنگ همراه با آموزش - استفاده از جغرافیای منطقه علیه دشمن</p>
	<p>استراتژی‌های مدیریت جنگ‌های نامتقارن نسبت به سایر استراتژی‌ها موفق‌تر: تجربه جنگ‌های گذشته‌ی یک کشور قوی با یک کشور ضعیف‌تر، کم‌هزینه بودن و به صرفه بودن تجهیزات مورد استفاده در این درگیری‌ها، قابلیت انعطاف در انجام تاکتیک‌ها.</p>	<p>۴ - انعطاف‌پذیری در انجام تاکتیک‌ها</p>

نقش حوزه دفاعی نیروهای نظامی در جنگ‌های نامتقارن: تولید سلاح و تجهیزات با محوریت و موضوعیت جنگ نامتقارن.	۵	- تولید سلاح و تجهیزات با محوریت جنگ نامتقارن
بزرگ‌ترین چالش‌های پیش روی اجرای موفقیت‌آمیز مدیریت جنگ‌های نامتقارن در حوزه دفاعی نیروهای مردمی: نبود نیروی انسانی آموزش دیده، نبود تجهیزات و سلاح مختص استفاده در جنگ‌های نامتقارن	۶	- نیروی انسانی آموزش دیده - تجهیزات و سلاح مجهز
مدیریت جنگ‌های نامتقارن در حوزه دفاعی نیروهای مردمی: ما با توجه به دشمنانمان که از لحاظ عده وعده از ما قوی‌تر هستند باید نگاه ما باید نگاه علمی به جنگ نامتقارن باشد و علاوه بر آموزش نفرات و ساخت تجهیزات مختص این حوزه، شهرسازی ما هم باید بر همین موضوع پدید آید.	۷	- نگاه علمی به جنگ نامتقارن - ساخت تجهیزات مختص این حوزه - آموزش نیروی انسانی
شرایط زمینه‌ای مؤثر در جنگ‌های نامتقارن در حوزه دفاعی نیروهای مردمی عبارت‌اند از: واکنش سریع در برابر حملات دشمن - کمتر به عوامل پیشمان در مقایسه با جنگ متقارن، خسارات و تلفات کمتر نسبت به جنگ کلاسیک، پراکندگی در صحنه نبرد - کوچکی واحدهای درگیر در طرف ضعیف‌تر - پارتیزانی بودن این شیوه جنگ‌ها.	۸	- واکنش سریع در برابر حملات دشمن - پراکندگی در صحنه نبرد - نیروی انسانی آموزش دیده
عواملی که باعث ایجاد جنگ‌های نامتقارن در حوزه دفاعی نیروهای مردمی می‌شوند شامل عدم داشتن آرایش و تاکتیک متناسب با طرفین درگیر در جنگ - شیوه‌های غیر معمول و کلاسیک در جنگ‌ها - عدم برابری عده وعده خصوصاً از نظر عده (نابرابری تجهیزاتی و جنگ‌افزایی) - برتری مطلق یک طرف درگیر بر طرف دیگر - به عبارت دیگر عدم هم‌ترازی نظامی بین طرفین درگیر در یک صحنه جنگ، از عواملی هستند که طرف ضعیف‌تر از نظر توان رزنی را به سمت نقاط ضعف طرف قوی‌تر سوق می‌دهد و سعی در آسیب رساندن و پیروزی بر دشمن با شیوه‌های غیر معمول است و برای غلبه بر	۹	- خشونت سیاسی یک دولت - تجهیزات سبک و به‌روز

قوای دشمن با بهره‌گیری از نقاط آسیب‌پذیر آن سوق می‌دهد.

<p>بزرگ‌ترین چالش‌های پیش روی اجرای موفقیت‌آمیز مدیریت جنگ‌های نامتقارن در حوزه دفاعی نیروهای مردمی: محیط‌های غامض و پیچیده در این صحنه - وسعت صحنه نبرد - غیرقابل پیش‌بینی بودن تاکتیک‌ها و تکنیک‌ها بر تری اصل غافلگیری بر دیگر اصول، عمیق بودن مناطق پدافندی - کاربرد قدرت رزمی غیرمنتظره - پیچیدگی اطلاعات در این حوزه .</p>	<p>- محیط‌های غامض و پیچیده در این صحنه - وسعت صحنه نبرد - غیرقابل پیش‌بینی بودن تاکتیک‌ها - کاربرد قدرت رزمی غیرمنتظره</p>
--	---

<p>جنگ و یتام را می‌توان یکی از اولین جنگ‌های نامتقارن دانست که آمریکا در آن شکست خورد. جنگ اسرائیل و حزب‌الله لبنان که اسرائیل ناموفق بود در جنگ. جنگ ایران و عراق را می‌توان یکی از بزرگ‌ترین جنگ‌های نامتقارن در دنیای معاصر دانست که عراق به اهدافش نرسید و ایران از آن جنگ سربلند بیرون آمد. در طول تاریخ پیامبر را با برد المهر شهر از این مصادیق جنگ نامتقارن از نظر عده و عده نیز بسیاری باشد که مجال بحث در این زمینه از حوصله این پرسش‌نامه خارج است.</p>	<p>- کاربرد قدرت رزمی غیرمنتظره</p>
---	-------------------------------------

<p>با توجه به اینکه جنگ‌ها تحمیل اراده یک کشور به کشور دیگر است و برخورد خشونت‌آمیز قدرت‌های ملی دو کشور نسبت به همدیگر است و قدرت‌های سیاسی - اقتصادی - اجتماعی فرهنگی نیز در جنگ درگیر می‌شوند لذا هدایت جنگ نامتقارن تنها به عهده نیروهای مسلح نیست و بلکه آن‌ها در نوک پیکان قرار دارند و دیگر عواملی که مطرح شد در پشتیبانی از جنگ شرکت خواهند داشت و حتی می‌توانند نقش اسامی در پیروزی را نیز ایفاء کنند، برای مثال در طول دوران دفاع مقدس این پیوند قوی بین همه مسائل سیاسی، اقتصادی - فرهنگی و بسیج مردمی و حتی نظامی و غیرنظامی باعث شد که در سطوح مختلف خصوصاً سطوح</p>	<p>- قدرت‌های سیاسی - اقتصادی - سطوح عملیاتی و تاکتیکی</p>
---	--

استراتژیک، سطوح عملیاتی و تاکتیکی با به کارگیر صحیح و به موقع آن‌ها مؤثر باشد.	۱۳	- آموزش عمومی به توده‌های بسیج عمومی
نیروها نظامی نقش مؤثری در جنگ‌های نامتقارن دارند: در حوزه آموزش عمومی به توده‌های بسیج مردمی، تهیه بنیه دفاعی، شناخت جغرافیای علمی منطقه عملیات - توسعه ماشین‌آلات جنگی، مرکز مدیریت و هدایت جنگ.	۱۴	- هدایت و رهبری جنگ
بزرگ‌ترین چالش‌های پیش روی اجرای موفقیت‌آمیز مدیریت جنگ‌های نامتقارن در حوزه دفاعی نیروهای مردمی: ناهمترازی در حوزه تجهیزات - ناهمترازی در حوزه علمی جنگ - هدایت و رهبری جنگ.	۱۵	- مدیریت همه‌جانبه جنگ
مستندات جنگ‌های نامتقارن در کشور می‌تواند در عرصه‌های مختلف مدیریتی کشور به دلایل ذیل بسیار مؤثر است: انتقال تجربه در هر سطحی موجب ارتقاء می‌باشد - جنگ بالاترین سطح بحران در هر کشور یا منطقه می‌باشد پس هیچ بحران مدیریتی بالاتر از این بحران نیست - مدیریت جنگ مدیریتی همه‌جانبه که قابل تعمیم به سایر مدیریت‌ها می‌باشد - مدیریه جنگ در حقیقت سیادت و صیانت مرزها و هویت‌های بالقوه و بالفعل جامعه است - رشد و ارتقاء سطح بالایی از همدلی و همگرایی در جنگ‌ها قابل تعمیم به همه عرصه‌های مدیریت می‌باشد.		

کدگذاری محوری

در ادامه و برحسب روش گرنند تئوری؛ پس از تعیین کدهای اولیه (مرحله قبل)، نسبت به تعدیل کدهای اولیه و سپس، تخصیص کدهای باقی‌مانده در دسته‌بندی‌های بزرگ‌تر و در قالب کدگذاری محوری، اقدام گردید. بر این اساس، ضمن مشخص کردن ارتباط بین کدهای اولیه شناسایی شده، کدهای محوری شناسایی شد.

کدگذاری گزینشی

در این مرحله، با توجه به اهداف تحقیق، پژوهشگر کدهای محوری شناسایی شده در مرحله قبل را در قالب دسته‌های مشخص دسته‌بندی نمود.

با توجه به نتایج کد گذاری گزینشی ابعاد زیر از جمله ابعاد تأثیر گذار بر مدیریت جنگ‌های نامتقارن هستند:

- توانمندی‌های اطلاعاتی
- تجهیزات
- آموزش
- قدرت نظامی
- عوامل فردی - روان‌شناختی
- عوامل مدیریتی
- قابلیت خلق نوآوری در عملیات نظامی
- دانش و آگاهی در حوزه جنگ‌های نامتقارن
- موقعیت جغرافیایی
- عوامل اجتماعی و فرهنگی
- عوامل اقتصادی
- عوامل سیاسی

ارزیابی و اولویت‌بندی ابعاد پژوهش با استفاده از روش دیمتل

در این پژوهش، به منظور تعیین میزان اهمیت و اولویت‌بندی ابعاد شناسایی شده از مرحله کیفی از پرسشنامه و تکنیک دیمتل استفاده گردید. در ادامه مراحل انجام گزارش شده است:

گام ۱: تشکیل ماتریس ارتباط مستقیم (M)

برای شناسایی الگوی روابط میان n معیار ابتدا یک ماتریس $n \times n$ تشکیل می‌شود. تأثیر عنصر مندرج در هر سطر بر عناصر مندرج در ستون در این ماتریس درج می‌شود. اگر از دیدگاه بیش از یک نفر استفاده شود، هر یک از خبرگان باید ماتریس موجود را تکمیل کنند. سپس از میانگین ساده نظرات استفاده می‌شود و ماتریس ارتباط مستقیم X تشکیل داده می‌شود.

$$X = \begin{bmatrix} 0 & \dots & x_{n1} \\ \vdots & \ddots & \vdots \\ x_{1n} & \dots & 0 \end{bmatrix}$$

جدول (۴) ماتریس ارتباط مستقیم که همان مقایسات زوجی خبرگان (نه نفر) هست را نشان می‌دهد.

جدول ۴: جدول ماتریس ارتباط مستقیم (میانگین نظرات خبرگان)

	C1	C2	C3	C4	C5	C6	C7	C8	C9	C10	C11	C12
C1	0	2/556	2/333	1/333	3/333	2/222	2/889	3	2/333	1/667	2/556	3/667
C2	1/444	0	2/111	2	2/778	2/111	1/778	2/556	3	2/556	2	2/778
C3	3/444	1/889	0	2/111	2/111	2	2/667	2/444	2/444	2/778	2/222	3/333
C4	3	1/889	2/667	0	1/889	2/333	2/444	2/556	3	2/444	2/333	2/111
C5	2/556	2/778	2/222	1/778	0	2/222	2/111	2/556	2/667	2/111	2/222	2/444
C6	3/444	3/556	2/222	2/444	1/889	0	2/333	3/778	2/667	2/889	3/111	2/333
C7	1/778	2/444	2/889	2	2/778	2/778	0	2/444	3	3	2/778	2/333
C8	2/333	2	1/667	2/222	2/556	2/667	3/556	0	2/333	2/111	2/444	3
C9	1/667	2/556	2	2/556	1/889	2/778	2/222	2/333	0	1/889	2/444	2
C10	2/444	2/778	2/667	3/333	2/667	2/111	2/667	2/333	2/111	0	2/333	2/556
C11	2/444	2/778	2/889	1/778	2/556	2/778	3	2/111	2/889	1/889	0	2/333
C12	2/667	2/889	2/111	2/444	2/667	2/444	3/444	2/222	2	2/667	3/222	0

گام ۲: نرمال کردن ماتریس ارتباط مستقیم

برای نرمال سازی ابتدا جمع تمامی سطرها و ستونهای ماتریس ارتباط مستقیم محاسبه می شود. بزرگترین عدد مجموع سطرها و ستونها با k نمایش داده خواهد شد. برای نرمال سازی باید تک تک درایه های ماتریس ارتباط مستقیم بر k تقسیم شود.

$$k = \max \left\{ \max \sum_{j=1}^n x_{ij}, \sum_{i=1}^n x_{ij} \right\}$$

$$N = \frac{1}{k} * X$$

جدول ۵: جدول ماتریس ارتباط مستقیم نرمال شده

	C1	C2	C3	C4	C5	C6	C7	C8	C9	C10	C11	C12
C1	0	0/083	0/076	0/043	0/109	0/072	0/094	0/098	0/076	0/054	0/083	0/12
C2	0/047	0	0/069	0/065	0/091	0/069	0/058	0/083	0/098	0/083	0/065	0/091
C3	0/112	0/062	0	0/069	0/069	0/065	0/087	0/08	0/08	0/091	0/072	0/109
C4	0/098	0/062	0/087	0	0/062	0/076	0/08	0/083	0/098	0/08	0/076	0/069
C5	0/083	0/091	0/072	0/058	0	0/072	0/069	0/083	0/087	0/069	0/072	0/08
C6	0/112	0/116	0/072	0/08	0/062	0	0/076	0/123	0/087	0/094	0/101	0/076
C7	0/058	0/08	0/094	0/065	0/091	0/091	0	0/08	0/098	0/098	0/091	0/076
C8	0/076	0/065	0/054	0/072	0/083	0/087	0/116	0	0/076	0/069	0/08	0/098
C9	0/054	0/083	0/065	0/083	0/062	0/091	0/072	0/076	0	0/062	0/08	0/065
C10	0/08	0/091	0/087	0/109	0/087	0/069	0/087	0/076	0/069	0	0/076	0/083
C11	0/08	0/091	0/094	0/058	0/083	0/091	0/098	0/069	0/094	0/062	0	0/076
C12	0/087	0/094	0/069	0/08	0/087	0/08	0/112	0/072	0/065	0/087	0/105	0

گام ۳: محاسبه ماتریس ارتباط کامل

بعد از محاسبه ماتریس‌های نرمال، ماتریس روابط کل فازی با توجه به رابطه زیر به دست می‌آید .

$$T = \lim_{k \rightarrow +\infty} (N^1 + N^2 + \dots + N^k)$$

به عبارتی دیگر ابتدا یک ماتریس همانی $n \times n$ تشکیل می‌دهیم، سپس این ماتریس همانی را منهای ماتریس نرمال کرده و ماتریس حاصل را معکوس می‌کنیم. ماتریس نرمال در ماتریس حاصل ضرب می‌شود تا ماتریس ارتباط کامل به دست آید.

$$T = N \times (I - N)^{-1}$$

ماتریس همانی یا یک ماتریسی است که تمامی درایه‌های آن غیر از قطر اصلی صفر است. جدول (۶) ماتریس ارتباط کامل را نشان می‌دهد.

جدول ۶: جدول ماتریس ارتباط کامل

	C1	C2	C3	C4	C5	C6	C7	C8	C9	C10	C11	C12
C1	0/604	0/706	0/648	0/582	0/708	0/662	0/736	0/72	0/704	0/635	0/697	0/751
C2	0/591	0/568	0/586	0/551	0/632	0/602	0/641	0/646	0/662	0/604	0/621	0/663
C3	0/699	0/679	0/571	0/599	0/667	0/649	0/723	0/697	0/699	0/659	0/68	0/735
C4	0/669	0/661	0/634	0/519	0/642	0/641	0/697	0/682	0/697	0/633	0/665	0/682
C5	0/634	0/664	0/6	0/554	0/562	0/617	0/664	0/659	0/665	0/603	0/639	0/668
C6	0/759	0/79	0/697	0/663	0/723	0/648	0/779	0/799	0/771	0/721	0/767	0/773
C7	0/666	0/709	0/67	0/609	0/697	0/684	0/655	0/711	0/729	0/679	0/708	0/72
C8	0/656	0/672	0/613	0/592	0/668	0/657	0/735	0/612	0/686	0/631	0/676	0/712
C9	0/585	0/631	0/571	0/554	0/594	0/607	0/639	0/627	0/559	0/573	0/62	0/627
C10	0/68	0/712	0/66	0/641	0/69	0/66	0/73	0/703	0/7	0/585	0/691	0/721
C11	0/668	0/702	0/655	0/587	0/676	0/669	0/727	0/686	0/711	0/633	0/61	0/704
C12	0/702	0/735	0/661	0/631	0/708	0/687	0/77	0/717	0/715	0/682	0/734	0/663

گام ۴: محاسبه ماتریس ارتباط داخلی

برای محاسبه ماتریس روابط داخلی باید ارزش آستانه محاسبه شود. با این روش می‌توان از روابط جزئی صرف نظر کرده و شبکه روابط قابل اعتنا یا همان نقشه شبکه روابط (NRM) را ترسیم کرد. تنها روابطی که مقادیر آن‌ها در ماتریس T از مقدار آستانه بزرگ‌تر باشد در NRM نمایش داده خواهد شد. برای محاسبه مقدار آستانه روابط کافی است تا میانگین مقادیر ماتریس T محاسبه شود. بعد از آنکه شدت آستانه تعیین شد، تمامی مقادیر ماتریس T که کوچک‌تر از آستانه باشد صفر شده یعنی آن رابطه علی در نظر گرفته نمی‌شود.

مقدار آستانه در این تحقیق برابر ۰/۶۶۵ است. تمامی مقادیر ماتریس T که کوچکتر از ۰/۳۴۹ باشند، یعنی آن رابطه علی در نظر گرفته نمی‌شود. بر این اساس، روابط معنی‌دار ابعاد تحقیق، به صورت جدول (۷) است.

جدول ۷: روابط معنی‌دار (متقابل)

	C1	C2	C3	C4	C5	C6	C7	C8	C9	C10	C11	C12
C1	0	0/706	0	0	0/708	0	0/736	0/72	0/704	0	0/697	0/751
C2	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
C3	0/699	0/679	0	0	0/667	0	0/723	0/697	0/699	0	0/68	0/735
C4	0/669	0	0	0	0	0	0/697	0/682	0/697	0	0	0/682
C5	0	0	0	0	0	0	0	0	0/665	0	0	0/668
C6	0/759	0/79	0/697	0	0/723	0	0/779	0/799	0/771	0/721	0/767	0/773
C7	0/666	0/709	0/67	0	0/697	0/684	0	0/711	0/729	0/679	0/708	0/72
C8	0	0/672	0	0	0/668	0	0/735	0	0/686	0	0/676	0/712
C9	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
C10	0/68	0/712	0	0	0/69	0	0/73	0/703	0/7	0	0/691	0/721
C11	0/668	0/702	0	0	0/676	0/669	0/727	0/686	0/711	0	0	0/704
C12	0/702	0/735	0	0	0/708	0/687	0/77	0/717	0/715	0/682	0/734	0

با توجه به جدول (۷) و به طور مثال، ابعاد توانمندی‌های اطلاعاتی - C1 بر ابعاد تجهیزات (C2)، ویژگی‌های فردی - روان‌شناختی (C5)، قابلیت خلق نوآوری در عملیات نظامی (C7)، دانش و آگاهی در حوزه جنگ‌های نامتقارن (C8)، موقعیت جغرافیایی (C9)، عوامل اقتصادی (C11) و نیز عوامل سیاسی (C12)، اثر می‌گذارد.

گام ۵: خروجی نهایی و ایجاد نمودار علی

گام بعدی به دست آوردن مجموع سطرها و ستون‌های ماتریس T است. مجموع سطرها (D) و ستون‌ها (R) با توجه به فرمول‌های زیر به دست می‌آورد می‌شود.

$$D = \sum_{j=1}^n T_{ij}$$

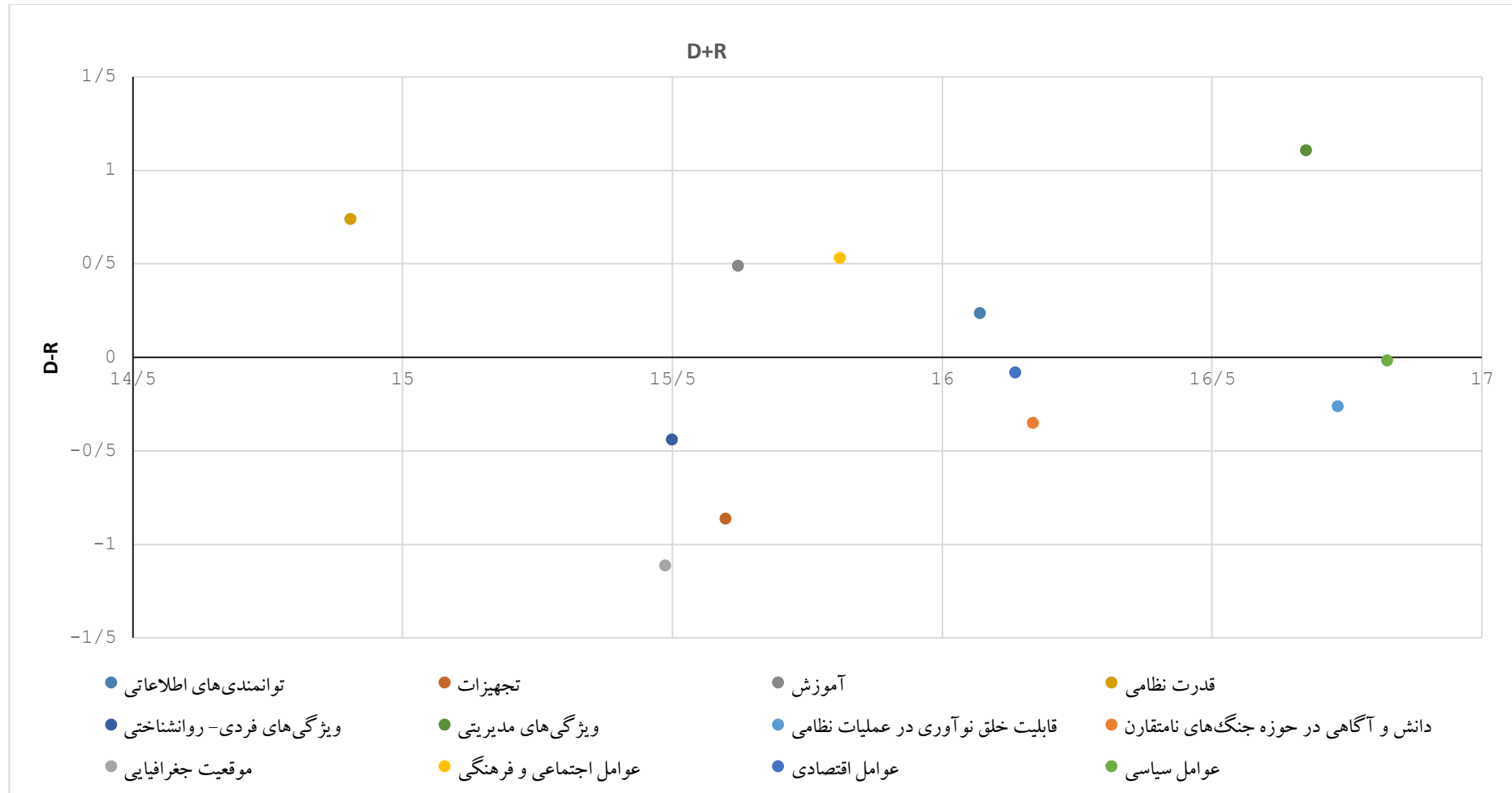
$$R = \sum_{i=1}^n T_{ij}$$

سپس با توجه به D و R ، مقادیر $D+R$ و $D-R$ را به دست می‌آورده می‌شود که به ترتیب نشان‌دهنده میزان تعامل و قدرت تأثیرگذاری عوامل هستند. خروجی نهائی در جدول (۸) آمده است.

جدول ۸: خروجی نهایی

		R	D	D+R	D-R
توانمندی‌های اطلاعاتی	C1	7/915	8/154	16/069	0/239
تجهیزات	C2	8/23	7/368	15/598	-0/862
آموزش	C3	7/565	8/056	15/621	0/492
قدرت نظامی	C4	7/082	7/821	14/903	0/74
ویژگی‌های فردی- روان‌شناختی	C5	7/968	7/531	15/499	-0/437
ویژگی‌های مدیریتی	C6	7/783	8/891	16/674	1/108
قابلیت خلق نوآوری در عملیات نظامی	C7	8/497	8/237	16/733	-0/26
دانش و آگاهی در حوزه جنگ‌های نامتقارن	C8	8/258	7/91	16/168	-0/348
موقعیت جغرافیایی	C9	8/298	7/187	15/486	-1/111
عوامل اجتماعی و فرهنگی	C10	7/638	8/172	15/81	0/534
عوامل اقتصادی	C11	8/107	8/028	16/135	-0/079
عوامل سیاسی	C12	8/42	8/404	16/824	-0/015

Error! Reference source not found. نیز الگوی روابط معنی‌دار (متقابل) را نشان می‌دهد. این الگو در قالب یک نمودار هست که در آن محور طولی مقادیر $D + R$ و محور عرضی بر اساس $D - R$ می‌باشد. موقعیت و روابط هر عامل با نقطه‌ای به مختصات $(D + R, D - R)$ در دستگاه معین می‌شود.



شکل ۱: مختصات ابعاد پژوهش با توجه به $D-R, D+R$

در ادامه، با توجه به رابطه ۷ و ۸، ابعاد مدیریت جنگ‌های نامتقارن در حوزه دفاعی نیروهای مردمی اولویت‌بندی شدند.

جدول ۹: اولویت‌بندی ابعاد

اولویت	Wi	ω_i	شاخص	
1	0/088	16/82	c12	عوامل سیاسی
2	0/087	16/736	c7	قابلیت خلق نوآوری در عملیات نظامی
3	0/087	16/711	c6	ویژگی‌های مدیریتی
4	0/084	16/172	c8	دانش و آگاهی در حوزه جنگ‌های نامتقارن
5	0/084	16/135	c11	عوامل اقتصادی
6	0/084	16/071	c1	توانمندی‌های اطلاعاتی
7	0/083	15/819	c10	عوامل اجتماعی و فرهنگی
8	0/082	15/629	c3	آموزش
9	0/082	15/622	c2	تجهیزات
10	0/081	15/525	c9	موقعیت جغرافیایی
11	0/081	15/505	c5	ویژگی‌های فردی - روان‌شناختی
12	0/078	14/921	c4	قدرت نظامی

با توجه به نتایج (۹)، عوامل سیاسی، بالاترین اولویت را در میان تمامی ابعاد به خود اختصاص داده است و عامل قابلیت خلق نوآوری در عملیات نظامی، ویژگی‌های مدیریتی، دانش و آگاهی در حوزه جنگ‌های نامتقارن، عوامل اقتصادی، توانمندی‌های اطلاعاتی، عوامل اجتماعی و فرهنگی، آموزش، تجهیزات، موقعیت جغرافیایی، ویژگی‌های فردی- روان‌شناختی و نیز قدرت نظامی، به ترتیب در اولویت دوم تا دوازدهم قرار گرفتند.

نتیجه‌گیری

از ویژگی‌های ممتاز این پژوهش این است عواملی را در حوزه مدیریت جنگ‌های نامتقارن ارائه داده است که حاصل جهان‌بینی الهی امام خمینی (ره) و خلاقیت فرماندهان و مدیران عرصه‌های مختلف دفاع مقدس است و از یکسو با علم و دانش روز بشری سروکار دارد و از سوی دیگر با فرهنگ و ارزش‌های دینی و ملی جمهوری اسلامی ایران سازگاری و ارتباطی تنگاتنگ دارد و برخلاف الگوهای موجود در حوزه‌ی مدیریت که منبعث از ارزش‌ها و پارادایم‌های حاکم بر غرب و متناسب با جوامع و سازمان‌های غربی می‌باشند و سنخیت کمتری با جامعه‌ی اسلامی ایران که ارزش‌های دینی و اسلامی بر آن حاکم است دارد، می‌تواند در شرایط فعلی تحریم‌ها، محدودیت‌ها و وضعیت نابسامان کنونی هم‌راهنما و الگویی اصولی برای دفاع از کشور و همچنین در مدیریت نامتقارن اقتصادی، فرهنگی و... به کاررفته شود و برای حل مشکلات و مسائل امروزی در سازمان‌ها راهکارهایی بومی ارائه نماید.

از دیگر ویژگی‌های این پژوهش جایگاه ارزش‌های اسلامی ایرانی در حوزه دفاعی است که این پژوهش را از سایر پژوهش‌های مدیریت در جنگ‌ها جدا می‌سازد. لذا شیوه مدیریت مؤثر؛ شیوه‌ای است که با محیط و سایر متغیرهای سازمانی سازگار باشد تا از این طریق بیشترین کارایی حاصل شود. بخش‌هایی از مدیریت جنگ نامتقارن که تطبیق آن با سایر الگوهای مدیریتی مشکل است و قابل‌الگوبرداری نیست؛ که لازم‌بکارگیری جنگ نامتقاران در کشور ما و شکل‌گیری بر اساس انگیزه‌های الهی است و این بخشی است که باید در فضای آکادمیک الگوسازی شده و به دیگر کشورها در حوزه نظری و عملی ارائه شود که این امر می‌تواند در حوزه تئوری‌های مدیریت گفتار جدیدی باشد. عوامل شناسایی شده به‌عنوان عواملی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی - ایرانی و مردمی، باوجود وجوهای مشترک، از جنبه‌هایی، از دیگر الگوهای مدیریتی متمایز است.

به‌طور کلی، برای حداکثر استفاده از مقدورات و امکانات عناصر مختلف واحدهای رزمی، پشتیبانی رزمی و پشتیبانی خدمات رزمی در عملیات مبتنی بر دفاع مردمی، ضرورت ترکیب عناصر مطروحه در این تحقیق و تلفیق رسته‌هایی مانند پیاده با تانک، توپخانه، پدافند هوایی، ادوات و ضد زره باهم و تشکیل سازمانی نسبتاً خودکفا و خوداتکا در رزم به‌صورت تیم یا گروه رزمی مختلط و تقویت‌شده با نیروهای مردمی آموزش‌دیده که بتوانند در شرایط سخت بدون وابستگی به رده مافوق، به مأموریت دفاعی خود ادامه دهند، اجتناب‌ناپذیر است. ترکیب این عوامل و نیروها در قالب یگان‌های دفاعی باقابلیت خوداتکایی در رزم به‌تناسب وظایف مورد انتظار از هر رده و با توجه به مقدورات و قابلیت‌های رزمی عناصر فوق تعیین می‌گردد. بنابراین، سازمان رزمی یک یگان، با توجه به مأموریت واگذارشده، نیروهای موجود باقابلیت دفاع همه‌جانبه مردمی و خودکفایی در رزم، وضع زمین منطقه عملیات و وضع دشمن تعیین می‌شود. افزون بر این، با توجه به سیر تحول در ماهیت جنگ احتمالی آینده و جایگزینی رویکرد نبرد نامتقارن به‌جای نبرد متقارن و حسب ضرورت ناشی از آن مبنی بر بازنگری در دکترین نبرد و تبیین اصول و قواعد اساسی رزم، متناسب با نیازهای واقعی صحنه نبرد احتمالی آینده و همچنین با توجه به موارد پیش‌گفته و عوامل شناسایی‌شده در پژوهش حاضر؛ می‌توان این‌گونه تبیین نمود که به دلیل اینکه کاربرد بخشی از اصول و دکترین نبرد موجود با رویکرد هم‌تراز، پاسخ‌گویی کامل نیازهای عملیاتی یگان‌های نظامی در عرصه طرح‌ریزی و هدایت صحنه نبرد در جنگ احتمالی آینده در یک محیط نامتقارن با رویکرد دفاع همه‌جانبه نمی‌باشد؛ لذا، با توجه به لزوم توجه به توانمندی‌های اطلاعاتی، تجهیزات، آموزش و قدرت نظامی به‌عنوان مجموعه علل و شرایطی فیزیکی غیرانسانی که بانظم و قاعده خاصی چارچوب و قالب مدیریت پنهان جنگ‌های نامتقارن در حوزه دفاعی نیروهای مردمی را می‌سازند؛ در صورت فراهم بودن عواملی همچون ویژگی‌های فردی- روان‌شناختی، ویژگی‌های مدیریتی، قابلیت خلق نوآوری در عملیات نظامی، دانش و آگاهی در حوزه جنگ‌های نامتقارن از یک‌سو؛ در کنار توجه به موقعیت جغرافیایی، عوامل اجتماعی و فرهنگی، عوامل اقتصادی، عوامل سیاسی از سوی دیگر؛ مدیریت مناسب جنگ‌های نامتقارن بر اساس ارزش‌های اسلامی ایرانی، تحقق خواهد یافت.

این پژوهش با روش آمیخته به استخراج عوامل با توجه به اطلاعات به‌دست‌آمده از تحلیل کیفی پرداخته و سپس، اولویت‌بندی ابعاد را انجام داده است. همچنین، رجوع به مکاتب

انجام تحقیقات کیفی، نظیر استفاده از نظریه داده بنیاد یکی دیگر از مواردی بوده است که به انجام این پژوهش جهت داده است و موجب تفاوت آن با تحقیقات قبلی شده است. افزون بر این، تحقیقات قبلی که عمدتاً با استفاده از روش‌های تحقیق کمی و عموماً با ارجاع به مقاله‌های مبنای لاتین انجام شده‌اند، غیربومی بوده و در نتیجه، تحقیق حاضر به لحاظ مصاحبه با خبرگان، بومی و مبتنی بر ساخت نظریه شکل یافته از درون جوامع هدف داخل ایران است. یکی دیگر از مهم‌ترین جنبه‌های ارائه این مدل، توسعه نوآوری، تأکید بر درون‌زایی، بومی و سازگار بودن آن با حقایق، واقعیت‌ها و آرمان‌های ملی برخاسته از راهبردهای امام خامنه‌ای و اسناد راهبردی نظام می‌باشد.

بررسی پیشینه تحقیقات داخلی و خارجی نشان می‌دهد، تحقیقی که به شناسایی مدیریت جنگ‌های نامتقارن بر اساس ارزش‌های اسلامی ایرانی پردازد، یافت نمی‌شود. با این وجود تحقیق حاضر به جهت پرداختن به مبحث جنگ‌های نامتقارن با تحقیقات داخلی ملکی (۱۴۰۱)، ظریف منش (۱۴۰۰)، غلامی (۱۳۹۸)، نوری و معتمدیان (۱۳۹۸)، نصیر (۱۳۹۷)، ایزدی آرا (۱۳۹۷)، مرتضویان فارسانی و آقابالازاده (۱۳۹۷)، سعادت‌تی (۱۳۹۶)، غفوری و صادقی (۱۳۹۶)، حبیبی (۱۳۹۱)، سنبلی (۱۳۸۸)، دهقان و مرادی (۱۳۸۸) و نیز تحقیقات محققین خارجی همچون آمارا سینگه (۲۰۲۲)، هو بز و همکاران (۲۰۲۲)، آتور (۲۰۲۱)، کافوریو (۲۰۱۸)، لل (۲۰۱۴)، کوکس (۲۰۱۲)، بلانک (۲۰۰۶) همسو است. در مجموع آنچه از جمع‌بندی پژوهش‌های موجود در این زمینه برمی‌آید این است که با توجه به اینکه هیچ‌کدام از پژوهش‌های مذکور، چه پژوهش‌های داخلی و چه پژوهش‌های خارجی به شکلی که در این پژوهش به مبحث جنگ‌های نامتقارن نگاه می‌شود، توجه نگردیده است؛ بنابراین این پژوهش از لحاظ هدف‌گذاری و جنبه جدید بودن گزاره‌های خود به‌مانند هیچ پژوهش دیگری نیست اما در هدف کلی، این پژوهش با اهداف کلی پژوهش‌های الکیس^۱ و همکاران (۲۰۲۲)، گالیلی و شوارتز (۲۰۲۱) و نیز تحقیق محمدی نجم (۱۳۸۸)، به جهت پرداختن به حوزه دفاعی نیروهای مردمی در مدیریت جنگ‌های نامتقارن، همپوشانی دارد. در حالی که تحقیقات

1 Amarasinghe

2 Hobbs

3 Author

4 Caforio

5 Lele

6 Halkis

7 Galily, Daniel & Schwartz

مذکور، توانایی تجزیه و تحلیل مناسب متغیرها و ارائه مدل مناسب مدیریت جنگ‌های نامتقارن را نداشتند.

محدودیت‌ها و پیشنهادها پژوهش

در این پژوهش مشخص نبودن مرز دقیق بین جنگ سازمان‌یافته و جنگ نامتقارن است به این معنی که در یک جنگ سازمان‌یافته و یا نامتقارن هم‌زمان طرفین تخصص می‌توانند به صورت ترکیبی از هر دو شیوه استفاده کنند که میزان و نسبت استفاده ترکیبی برای هر یک از طرفین به طور دقیق مشخص نیست. در یک جنگ سازمان‌یافته یا متعارف کمتر پیش می‌آید که طرفین دعوا از قدرت نظامی و تجهیزات یکسانی برخوردار باشند. محدودیت دیگر در رابطه با موضوع پژوهش بحث کمبود منابع و مرجع در حوزه مسائل مربوط به ایالت متحده (آمریکا شناسی) و جنگ‌های این کشور که عمده جنگ‌های نامتقارن در برابر تجاوزات آمریکا صورت گرفته است از موضوع پژوهش می‌باشد به این معنی که برای نمونه حجم منابع موجود در زمینه جنگ عراق و افغانستان به مراتب بیشتر از منابع مربوط به جنگ ویتنام و بالکان است.

گستره زمانی موضوع پژوهش از جنگ داخلی آمریکا در قرن ۶۱ تا جنگ‌های عراق و افغانستان که آثار آن هنوز در محیط بین‌الملل و منطقه مشهود می‌باشد نیز پژوهشگر را مجبور کرده تا از میان آثار و منابع متفاوت که هر کدام قسمتی از پژوهش را پوشش می‌دهند دست به انتخاب بزند و بدین ترتیب با طیف وسیعی از منابع در قبال کلیت پژوهش مواجه می‌باشد. تعاریف گسترده و بعضاً متناقض از جنگ نامتقارن که طیف وسیعی از جنگ‌های انتقام‌جویانه، چریکی، عملیات روانی و... را در برمی‌گیرد و هر نویسنده و صاحب نظر با اولویت بخشیدن به قسمتی از جنگ نامتقارن بر پیچیدگی این مفهوم افزوده است.

با این حال پژوهشگر کوشیده است تا با استناد به تعاریف جامع، برای طیف‌های مختلف این جنگ شاهد تاریخی بیاورد تا بتواند حجم پیچیدگی‌ها را کاهش دهد. همچنین: با توجه به اینکه موضوع جنگ موضوعی نظامی و ماهیت محرمانه دارد (طبقه‌بندی بودن اسناد از لحاظ نوع دسترسی به آن‌ها) و کمبود منابع و پژوهش‌های علمی در دسترس و پراکندگی جامعه‌ی آماری (خبیرگان دانشگاهی، مدیران و کارشناسان حوزه نیروهای مسلح است که توزیع و گردآوری پرسشنامه‌ها را دشوار می‌سازد.

بر اساس یافته‌های پژوهش، پیشنهادات زیر ارائه می‌گردد:

- شناسایی اثرگذاری و اثرپذیری هر یک از عوامل مؤثر بر مدیریت جنگ‌های نامتقارن با رویکرد آینده‌پژوهی در مدیریت جنگ‌های نامتقارن
- بهره‌گیری مناسب از شرایط جغرافیایی و استفاده صحیح از زمین منطقه‌ی نبرد به جهت مردمی کردن دفاع (مقاومت و دفاع مردمی) در عرض و عمق واحد جغرافیای کشور و منطقه؛
- دفاع موزاییکی و عمیق غیرخطی با تکیه بر نیروهای مردمی آموزش دیده در برابر تهاجم مسطح و عمیق غیرخطی دشمن؛
- تحلیل اهمیت-عملکرد هر یک از عوامل مؤثر بر مدیریت جنگ‌های نامتقارن در حوزه دفاعی نیروهای مردمی
- ارزیابی ابعاد شناسایی شده در هر پارادایم با روش‌هایی همچون: دنپ، بهترین-بدترین، فرایند سلسله مراتبی فازی و ...
- استفاده از سایر روش‌های طراحی مدل مانند: مدل‌سازی سیستم‌های نرم، مدل-سازی ساختاری-تفسیری برای طراحی و تدوین الگوی مناسب مدیریت جنگ‌های نامتقارن در حوزه دفاعی نیروهای مردمی.

منابع:

- خسروی، فریدون، تجبر، نیما (۱۳۹۶). گروهان هوانیروز در نبرد ناهمتراز، انتشارات دانشگاه افسری امام علی (ع).
- درودیان، محمد (۱۳۹۱) جنگ بازیابی ثبات، تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات، جنگ، چاپ پنجم.
- طهماسبی، سیامک، اصلی پور، حسین و فرتوکزاده، حمیدرضا و بوشهری، علیرضا، (۱۳۹۶)، سیاست گذاری صنعتی جهت ارتقای قابلیت های صنایع دفاعی راهبردی تابستان ۱۳۹۶، راهبرد دفاعی، دوره ۱۵، شماره ۲، ۱۶۵-۱۹۹، https://journals.sndu.ac.ir/article_10201.html.
- عباسی، حسن، (۱۳۹۲) دکترین شمشیر داموکلس در جنگ نامتقارن غزه، شبکه چهار، برنامه راز، دوم آذر.
- غلامی، حسین (۱۳۹۸). بررسی تأثیر به کارگیری شیوه های جنگ ناهمطراز در مقابله با تهدیدات از منظر سردار سرلشگر پاسدار شهید حاج حسین همدانی. مطالعات دفاع مقدس و نبردهای معاصر « پاییز و زمستان ۱۳۹۸ - شماره ۳، ۲۰۱ - ۲۱۸. <https://ensani.ir/fa/article/440890>
- قنبر لو، عبدالله (۱۳۹۱). فرهنگ راهبردی و دفاع ملی مطالعه موردی جنگ تحمیلی، فصلنامه مطالعات راهبردی پاییز ۱۳۹۱، سال پانزدهم شماره سوم. https://quarterly.risstudies.org/article_T31-50.html
- مرتضویان فارسانی، سید علی، آقابالازاده، علی اصغر (۱۳۹۷). دکترین نظامی کارگزار محور شیوه ای نوین در جنگ های نامتقارن. مطالعات دفاعی استراتژیک پاییز ۱۳۹۷، سال شانزدهم شماره ۷۳، ۴۷-۶۲ https://journals.sndu.ac.ir/article_62-47_73.html
- نصیر، حمید (۱۳۹۷). جایگاه جنگ نامتقارن در راهبرد امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- Barzegar, Keyhan (2008), Iran, New Iraq and the Persian Gulf Political Security Architecture, the Iranian Journal of International Affairs, Vol. XX, No.1, winter 2007-08, PP. 93-110.
- Sohrewordi, S, H,S and Qayyum, S (2021). Paraplegic Dimensions of Asymmetric Warfare: A Strategic Analysis of Resilience Policy Plan. Strategic Studies. 41. 34-47. 10.53532/ss.041.03.0045 , <https://www.jstor.org/stable/48732278>
- Hunter, Shireen (2017), Irans Geopolitical predicament and its consequences, Lobe Log.com. <https://lobelog.com/irans-geopolitical-predicament-and-its-consequences/>

- Galily, Daniel & Schwartz, David. (2021). From “Shock and Awe” to Asymmetric Warfare in Modern Military Warfare. *Open Journal for Studies in History*. 4. 85-92. 10.32591/coas.ojsh.0402.04085g. <https://centerprode.com/ojsh/ojsh0402>
- Lele, A. (2014). Asymmetric Warfare: A state vs non-state conflict. *OASIS*, (20), 97-111. <https://www.redalyc.org/pdf/531/53163822007>